

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسین مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۲۰ دی سال ۱۳۹۷

عنوان: هنر و معماری و شهرسازی در ژاپن و ایران - شباهت‌ها و تفاوت‌ها

سخنرانان و اعضای پنل: جون سوکه یاماموتو، کیکو کیتاناکا، شهاب الدین ارفعی و محمدمهدی محمودی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

سخنران اول: محمدمهدی محمودی

سعی شده مقایسه‌ای درباره بعضی از آیتم‌ها بین ژاپن و ایران داشته باشیم و بعد قسمت ژاپن را توضیح خواهیم داد. بحث اول اینکه ایران کجا قرار گرفته و ژاپن کجا قرار گرفته است. دو پایتخت این کشور کجاها بوده، تهران و توکیو ولی هر دو دقیقاً در یک خط جغرافیایی قرار گرفتند و جالب است بدانید که چهاراهی در شهر توکیو است که دقیقاً افتاده جلوی ایستگاه راه‌آهن تهران، بعضی از جوان‌ها که علاقمند این دو کشور هستند این چهارراه را خواهر خوانده می‌نامند.

دو کشور از نظر کوهستانی، کوه‌های ایران قسمت شمال و غرب و جاهای دیگر کمتر است ولی در ژاپن تماماً کوه است. ژاپن همسب سبز است و ایران خاکی رنگ می‌باشد و قسمت بالای ایران فقط سبز قرار است. از نظر مساحت کشور ایران ۵ برابر مساحت ژاپن را دارد.

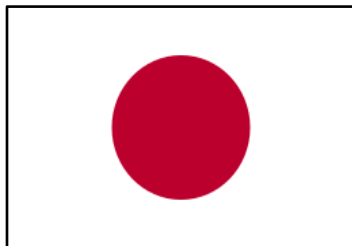
امسال که سال ۲۰۱۹ است از رابطه دیپلماتیک بین ژاپن و ایران ۹۰ سال می‌گذرد که بار اول در سال ۱۹۲۹ بوده است و سندی در وزارت امور خارجی ژاپن نگهداری می‌شود و این ارتباط از آن سال برقرار می‌باشد. اواخر سال گذشته سفارت ژاپن در قسمت فرهنگی در ایران کارهایی انجام می‌دهد و امسال هم ادامه می‌دهد و سفارت ایران در توکیو هم امسال برنامه‌هایی را داشتند برای نودمین سالی که رسماً این رابطه ایران و ژاپن برقرار شده است. ولی نشانه‌هایی وجود دارد که از زمان ساسانی ایرانیان به سمت ژاپن رفتند، خاطرم هست جناب آقای دکتر کامیابی مسک زمانی اشاره داشتند در دوران ساسانی حکام ساسانی اذیت

کردند مردم را، یک عده‌ای رفتند به سمت ژاپن و عده‌ای هم به سمت فرانسه و جنوب اسپانیا. تندیسی که مشاهده می‌کنید گفته می‌شود این تندیس کار ایرانیان است و اینها ایرانی هستند. اینها از دوران ساسانی آنجا پیدا شده‌اند و در شهر آسوکا که آن زمان پایتخت بوده است ولی آثار سکونت و نه تمدن حدود ۴۰،۰۰۰ سال است که در جزایر ژاپن پیدا شده است. آسوکا یکی از پایتخت‌های قدیمی بوده بعد شده نارا و بعد کیوتو و بعد ادو توکیو و از قرن ۱۹ تاکنون توکیو می‌باشد.

پایتخت‌های ایران که جزء کشورهایی است که تعداد پایتخت‌هایش بسیار زیاد است و فکر می‌کنم حدود ۳۲ پایتخت عوض کرده است. در زمان هخامنشیان ابتدا بابل، شوش، تخت جمشید، هکمتانه، دشتستان و پاسارگاد بوده، در زمان ساسانیان شوشتر، همدان، بیشاپور، استخر و تیسفون بوده و در زمان تیموریان هرات و سمرقند در زمان صفویه اصفهان، قزوین، تبریز در زمان زندیه کرمان، اصفهان و شیراز و از زمان قاجار تاکنون تهران است.

پرچم‌های دو کشور را مقایسه کنیم پرچم ایران از اول تاکنون در کتاب مدارس ژاپنی است که درباره ایران و پرچم ایران توضیحاتی داده شده است که دانش آموزان ژاپنی با ملیت‌های مختلف از جمله ایران آشنا می‌شوند که اشاره‌ای هم درباره پرچم‌های قبلی ایران دارند. ولی در خود ژاپن پرچمش تغییر می‌کند یک پرچم ملی دارند که از ابعاد و اندازه و رنگ، یک کمی متفاوت است. پرچم‌های امپراطوری دارند که از سال ۱۸۶۹ تا الان که هر کدام برای خانواده، برای شاهدخت، ولیعهد و... مشخص شده است. کمی تفاوت و شباهت‌هایی بین این پرچم‌ها وجود دارد.





خانواده امپراطور است که در دوره‌های تاریخی ژاپن با هر امپراطوری تغییر می‌کند. الان هی سه سی‌ام هستیم یعنی ۳۰ سال است که امپراطور یکی است و قرار است ۳ تا ۴ ماه دیگر واگذار کند به ولیعهداش، پس بنابراین هی سه سی تمام می‌شود. ولی قبش شووا بود که ۶۴ سال حکومت کرد و زنده بود. یا قبلی‌تر که به دوران میجی بود و همین‌طور تغییر می‌کند.

کوه‌ها در هر دو کشور چگونه قرار گرفته‌اند تعداد کوه‌ها در ژاپن بسیار هستند ما تقریباً افق را در طلوع و غروب خورشید را به غیر از قسمت دریا در زمین نمی‌بینیم و همیشه پشت کوه می‌رود و یا از پشت کوه می‌آیند بیرون، در تمام شهرها و اطراف کوه دیده می‌شود، ولی مهم‌ترین کوهی که ژاپن وجود دارد کوه فوجی یاما که ۳۸۷۶ متر است. در کنار او ما قله دماوند را داریم حدود ۵۷۰۰ متر است. فرق این دوتا این است که قله دماوند ارتفاع بیشتری دارد و نوکش شکسته ولی قله فوجی نوکش شکسته است. تفاوت دیگر فوجی اطرافش آزاد هست با اینکه ارتفاعش کوتاه هست دیده می‌شود ولی دماوند کمتر دیده می‌شود. لغت دماوند چون برای ژاپنی‌ها سخت است و به خاطر علاقمند بودن ژاپنی‌هایی که به کوه و طبیعت جهان هستند اسم کوه دماوند را گذاشتند فوجی یامای تهران و آسان‌ترش کردند. متأسفانه در بعضی از جاها عکس کوه فوجی را گذاشتند و کنارش نوشتند به تهران خوش آمدید که این اشتباه است.



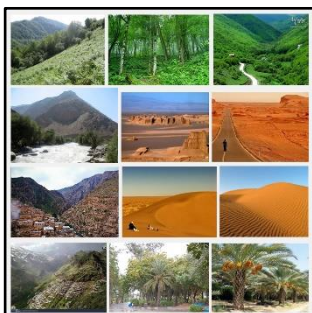
کوه دماوند



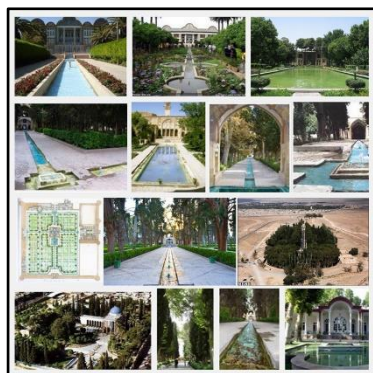
کوه فوجی یاما

دماوند از بالا و شهرها همه جا دیده می‌شود و حضور دارد، یک نماد آن کشور شده، کنار آن رودخانه‌های ایران را هم داریم، که رودخانه‌ها باز هم به خاطر کوه‌های قسمت شمال و غرب هستند ولی در ژاپن رودخانه‌ها فراوان و به دو طرف ریخته می‌شود به آب‌ها و به همین دلیل رودخانه‌ها در شهرها بسیار حضور دارند. در تمام شهرها رودخانه‌ها را می‌بینم هر کدام از این رودخانه‌ها دورن شهرها یک هویتی به آنجا داده و همچنین بحث تاریخی دارد و یک گردشگری دارد، دید معماری و مهندسی اگر ببینیم قبول کردند که آب‌ها شاید طغیان کند و بیاد بالاتر و پایین‌تر و همه جا حضور رودخانه را داریم که آب شیرین است و رودخانه هست و جاهایی که دیگر به دریا می‌رسد نشانه‌هایی که در آب قرار می‌گیرد به عنوان دروازه که از آنجا می‌توانند بیایند تو. جزایر مختلفی در ژاپن وجود دارد.

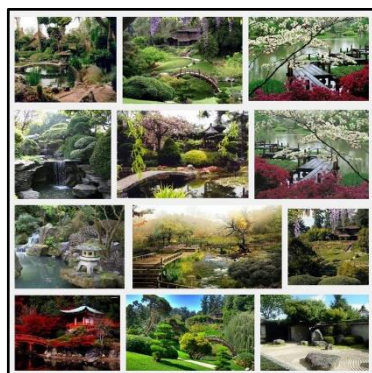
بحث بعدی اقلیم در دو کشور می‌باشد که ما در ایران این اقلیم را داریم که در بالا بسیار معتدل و مرطوب در وسط می‌رسد تقریباً کویری می‌شود و در غرب کوهستانی است و در جنوب می‌بینیم گرم و شرجی. در ژاپن اینقدر تنوع وجود ندارد ولی بیشتر گرم و مرطوب است ولی داریم یک قسمتی شرجی‌تر می‌شود به همین دلیل که کشیدگی وجود دارد و بالا سردتر می‌شود و پایین شرجی‌تر می‌شود. برف در قسمت‌هایی از ژاپن بسیار زیاد است، پایین‌ها کمی معتدل‌تر است و اقلیم بیشتر معتدل است ولی آن بوران و سرما وجود دارد. ما در ژاپن تقریباً ۵ فصل داریم همان ۴ فصل خودمان یک فصل هم هست حدود ۱/۵ ماه تا ۲ ماه که یک سره باران می‌بارد.



باغ‌های دو کشور از نظر تاریخی بسیار معروف هستند و باغ‌های ایرانی بسیار شناخته شده، ۹ تا باغ ایرانی ثبت جهانی شده است. باغ‌های ژاپنی هم بسیار معروف هستند ولی هر دو از نظر من دیدگاهشان متفاوت است، اون بحث فرهنگی، اقلیمی، مذهبی دارد. ولی در جمع شباهتهایی وجود دارد که در هر دو باغ را نگاه می‌کند و یک نشانه‌ای از طبیعت، بهشت و دید خوب است. باغ ایرانی محورهایی دارد. در باغ ژاپنی هم آب حضور دارد ولی مذهب بودا و آئین و فرهنگ پیشتش وجود دارد. که می‌نشیند باغ را نگاه می‌کند و باغ به صورت یک مینیاتوری از طبیعت آمده قرار گرفته. باغ‌های شنی داریم که می‌تواند آن را شانه کنند و موجش را تغییر دهیم. می‌نشیند مدت‌ها نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند دریا است و اینها جزایری است که زده بیرون موج را دارند نگاه می‌کنند. همیشه آب وجود دارد و با صدای آب، آب خوردن. حتی باغ‌ها کوچک شدند آمده در یک پاسیو قرار گرفته است، در آپارتمان هم می‌تواند بیاید و باغ کوچک قرار گیرد.



باغ ایرانی



باغ ژاپنی



درخت‌هایی که در دو کشور به عنوان سمبل وجود دارد ما در کشورمان سرو را داریم که قدمت و قامت را نشان می‌دهد، در شعرهایمان هم آمده است در جنوب نخل داریم، ولی در ژاپن درخت گیلاس که کیلاس نمی‌دهد برگ گیلاس است درخت اصلی می‌باشد و از آن شکوفه زدن، برگ دادن، تغییر رنگ برگ، ریختن شکوفه‌ها، وقتی همه شکوفه‌ها می‌ریزد ژاپنی‌ها یک نگاهی می‌کنند و می‌گویند اینها ریخت. تأثیری روی آنها می‌گذارد رنگ او تغییر می‌کند و بعد می‌بینیم اون برگ و رنگ تا کجای قسمت فرهنگی رفته است. چیزی که در ژاپن دیده می‌شود. درخت‌ها قیم دارند و سعی می‌کنند درخت وقتی کوچک است قیم‌اش کنارش باشد که درخت کج نشود و درخت درست شکل بگیرد. وقتی شکل گرفت قیم را برمی‌دارند و می‌گویند بزرگ شده و دیگه احتیاج به قیم ندارد و می‌تواند سرچایش بایستد. بنابراین می‌بینیم به درخت‌ها شکل‌های قشنگی می‌دهند، مراقب هستند و انسان می‌تواند نزدیک درخت‌ها شوند.



برای گل‌ها، گل‌هایی وجود دارد که چتری را می‌زنند که مرتب باغبان جای چتر را در روز عوض می‌کند که این گل‌ها کمتر آفتاب بخورند و زودتر پژمرده نشوند و عمر گل به جای ۸ روز بشود ۱۰ روز با جابه‌جا کردن چتر از نظر آفتاب روی گل‌ها. درخت‌ها توانسته‌اند کوچک کنند همان بون سایه هست، بن سایه درسته فروخته می‌شود ولی در فرهنگ ژاپنی قابل فروش نیست. یعنی میراث یک خانواده است که از یک نسل به نسل بعدی داده می‌شود. نسل که مرده ولی آن درخت بن سایه زنده است و با همان بحث فرهنگ و مذهب می‌گویند یک زمانی این درخت بوده که مثلاً پدر بزرگ زنده بوده الان نیست ولی هنوز اون درخت زنده است و درخت داده می‌شود به نسل بدی. قیم‌ها درخت‌ها را آن طوری که می‌خواهند شکل می‌دهند.

از نظر جمعیت ایران وسعتش ۵ برابر ژاپن هست و ژاپن یک پنجم ایران بود. ژاپن تقریباً ۸۰ درصدش کوه هست. ۲۰ درصدش جای سکونت دارد. ولی از نظر جمعیت می‌بینیم که جمعیت ایران نزدیک به ۸۰ میلیون نفر است و جمعیت ژاپن نزدیک بر ۱۳۰ میلیون نفر می‌باشد. حالا این

جمعیت زیاد با اون فضاهای کم که کوه، جنگل هست و فضای شهری محدود است، ولی فضاهای شهری بسیار زیاد است. معابر بسیار پهن و بزرگ و جای حرکت بسیار زیاد است. فضاها برای پرسه افراد پیاده و برای حرکت بسیار وسیع می‌باشد.

ورزش‌های سنتی هر دو کشور چون یک تاریخ قدیمی دارند ورزش‌های سنتی بسیار قدیمی هم دارند. همانطور که کشتی را به فرض داریم یا زورخانه را داریم ژاپن هم تقریباً همین هاست حالا می‌بینیم اینجا ورزش سومق هم است. اولاً افرادی که دور هم جمع می‌شوند رجز می‌خوانند برای همدیگر و سعی می‌کنند قدرت نمایی کنند. معمولاً زمین، زمین خاکی است که کاهگلی است که کشتی می‌گیرند، نمک می‌پاشند برای اینکه چشم نزنند و بتوانند غلبه کنند به فرد روبرویی. یا شمشیر که لباس سنتی دارد انجام می‌شود از کودکی این تمرین‌ها شروع می‌شود، ورزش دیگری هم هست ورزش که برای جوان‌ها وجود دارد ورزش بیس بال و برای جوان‌ها آمده و ورزش مردمی است. ورزش‌های سنتی بسیاری وجود دارد. کلاً مردم از پیر تا جوان همگی در ژاپن ورزش می‌کنند پیرمردها با هم دوره می‌گذارند و جوان‌ها با هم دوره دارند و همه قشرها ورزش می‌کنند و جزء یکی از کارهای روزانه خودشان است و از دروس سخت مدارس ژاپن ورزش هست و آسان از آن نمی‌گذرند.



می‌رسیم به غذاهای ایران که بیشتر برنج و گوشت گوسفند می‌باشد و زعفران ولی در ژاپن غذاها برنج همیشه حضور دارد و به جای گوشت گوسفند بیشتر می‌شود گوشت‌های دریایی قرار می‌گیرد. البته تفاوت‌هایی دارد برنج گرد است کمی ریزتر می‌بینیم غذای سنتی ژاپن اسمش اُنِگری است که مثلث برنج هست که با چیزهای مختلف قاطی می‌شود مثل سبزی‌های دریایی که با برنج مخلوط می‌شود و تروپچه که خیلی در غذاهای ژاپنی استفاده می‌شود و اولین فردی که تروپچه را به ژاپن آورد خانم اوشین بود. غذاهای دریایی عجیب زیاد است.



اُنِگری را با دست برمی‌دارند و با آهاشی که دو تا چوب هست می‌خورند ولی معمولاً با دست برمی‌دارند و می‌خورند و اگر بخواهید غذای برای شخصی بگذارند از آهاشی از طرف دیگر استفاده می‌کنند چون مثل ایرانی‌ها کفگیر وجود ندارد. از طرف دیگر چوب آهاشی که به دهان نخورده مثلاً غذای در ظرف دیگری می‌گذارند و حتی اگر در رستوران‌های ژاپنی بروید اون قاشق و جنگال هست ولی معمولاً همه از همان آهاشی استفاده می‌کنند. یک غذای بسیار سنتی ژاپن هست که سعی کردند نگه دارند اموجی هست که همان برنج هست که می‌پزند و با چوب می‌زنند که یکپارچه شود و بعد گوله می‌کنند و بعد می‌گذارند خشک هم می‌شود که در سنگ می‌کوبند و بسیار قوی هست. معمولاً غذایی که افراد به محل کار می‌برند را بهش اوتو می‌گویند یعنی ظرف غذا و غذایی که معمولاً سرد است. اوتو هیچ وقت گرم نیست.



شیرینی‌های دو کشور را می‌بینید که برای ایران آرد، آرد برنج، است در ژاپن هم آرد و آرد برنج وجود دارد ولی از لوبیا، باقالی، حبوبات، نخود هم شیرینی درست می‌کنند. چای سبز همیشه حضور دارد در کنار شیرینی‌ها در ژاپن از نظر شکل و شمایل بسیار سنتی است ولی شیرینی‌های امروزی هم بسیار وجود دارد.

آب نبات‌های سنتی بسیار وجود دارد و بعضی وقت‌ها در مغازه‌ها فرد در حال کردن آب نبات هست و همان لحظه هم درست می‌کند بیرون می‌دهد و می‌فروشد. مثل آب نبات قیچی که در ایران و ژاپن هست ولی شکل‌های مختلف وجود در کشور ژاپن دارد مثل کله پرونده، قلب

و... بسته‌بندی‌های در ژاپن بسیار مهم است چه شیرینی و چه آب نبات بسار مرتب و با نظم بسته بندی می‌شود و اگر بسته‌بندی کمی کج بشه و اتفاقی برای بسته بیفند قیمت شیرینی و آب نبات بسیار پایین می‌آید.



میوه‌ها در ژاپن هم وجود دارد به دلیل آن کشیدگی کشور که هست ولی آن تنوع آنقدر زیاد نیست ولی سبزیجات در ژاپن بسیار زیاد می‌باشد نسبت به ایران. بدانید که در ژاپن میوه بسیار گران هست. سبزیجات در غذاها بسیار استفاده می‌شود انواع و اقسام قارچ‌ها استفاده می‌شود و غذاهایی که خیلی هم پخته نمی‌شود و بسیار تازه هستند. به عنوان مثال خرمالو را وقتی سفت هست از درخت می‌چینند و پوست آن می‌کنند و فقط سر خرمالو باقی می‌ماند و می‌گذارند کاملاً خشک شود و مثل انجیرهای قدیمی خشک می‌کنند و بعد خورده می‌شود که واقعاً خوشمزه هست.



از نظر جشن‌ها همان‌طور که ما در گذشته جشن‌های الان را هم داریم جشن‌های آئینی و فرهنگی و سرزمینی زیاد داریم. در ژاپن هم جشن‌های بسیار زیادی هست که این جشن‌ها نسبت به آن فرهنگ و اقلیم و داستان‌های آن کشور می‌باشد. تمام جشن‌ها چه در ایران و چه در ژاپن با لباس‌های سنتی میاد. شاید از نظر ما مثل هم باشند ولی برای هر شهری متفاوت است. حتی افرادی که می‌آیند نگاه کنند همان لباس‌ها را می‌پوشند در ژاپن اگر یک روزی جشن باشد و همه با همان لباس‌های سنتی می‌آیند حال اگر فردی را با کت و شلوار ببینند سریع می‌پرسند که شما امروز سر کار می‌روید چون دقیقاً لباس محل کار پوشیده است. در ژاپن تعداد جشن‌ها بسیار زیاد هست و هر روستایی جشن‌های خودش را دارد با آن طبیعت شاید مثل ایران که جشن انار را در سمنان داریم. در ژاپن هم در شهرها و روستاها جشن‌های متفاوت است. حتی جشن‌های اروپایی جدید هم در ژاپن آمده و یا تغییراتی دادند و کمی ژاپنی کردند حتی در ژاپن هم جشن سبزه به در وجود دارد و فقط با یکی دو روز فاصله برگزار می‌شود. جشن فارغ التحصیلی هم در هر دو کشور برگزار می‌شود با لباس‌های مخصوص خودش. جشن بادبادک‌ها، جشن پسر و جشن دختر در ژاپن وجود دارد. جشن نوروز در هر دو کشور را داریم برای ایران سال نو برای ما بهترین تاریخ که زمستان تمام می‌شود و ساعت خاصی دارد و به پیشواز سال نو می‌رویم. در ژاپن هم وجود دارد به پیشواز سال نو میلادی می‌روند و به صورت سنتی است. کمی کریسمس و غربی است، ولی چند روز بعد که نوروز هست دیگه همیشه سنتی، وارد معبد می‌شوند، کارت تبریک برای هم می‌فرستند که با کانچی نوشته نوشته.



خانواده‌ها ایرانی و ژاپنی همانطور که در ایران خانواده‌ها کم شده در ژاپن هم کم شده یعنی جمعیت از نظر خانوادگی تغییر شکل داده ولی پدربزرگ و مادر بزرگ جایگاه خودش دارد هنوز و همیشه دور هم جمع می‌شوند. خانواده ژاپنی وقتی جمع می‌شود اون لباس‌های سنتی می‌شود، غذاهای سنتی می‌شوند، نشستن سنتی می‌شوند و سنت کشور شکل می‌گیرد.

آموزش و پرورش و دانشگاه لباس‌های که در ایران استفاده می‌شوند در ژاپن هم لباس‌ها یک شکل هستند. لباس مهدکودک متفاوت است، حتی در ژاپن وسایلی که همراه بچه‌های مدرسه‌ای است شما تشخیص می‌دهد آن روز چه کلاسی دارند. لباس فارغ التحصیلی تقریباً در ایران و ژاپن شبیه است و...

مراسم سوگواری در هر دو کشور رنگ سیاه استفاده می‌شود و نشانه سوگواری است ولی ما در ایران شیون زیاد داریم ولی در ژاپن اون رنگ سیاه هست ولی سکوت می‌کنند در ژاپن مثلاً مراسم سوگواری ۲ خانم جوان و مسن با هم متفاوت است از نظر گل آرایشی که در مراسم استفاده می‌شود شما تشخیص می‌دهد که فردی که فوت شد جوان بوده یا مسن.



تفاوت‌ها در مراسم سوگواری در ایران ما مراسم چهلیم داریم ولی در ژاپن چهل و نهم گرفته می‌شود و دور هم جمع می‌شوند. سنگ قبرها کاملاً متفاوت است در هر دو کشور، در ژاپن سنگ قبر برداشته می‌شود و جنازه می‌سوزانند و بعد در کوزه‌ای می‌گذارند و بعد تا چهلیم و نهم باقی می‌ماند در خانواده‌های ژاپنی دست به دست می‌گردد. بعد سنگ را برمی‌دارند و کوزه را می‌گذارند زیر و در کنار کوزه همسرش بعد از آن دوباره کنار سنگ قبر عود روشن می‌کنند و گل آرایشی می‌کنند.

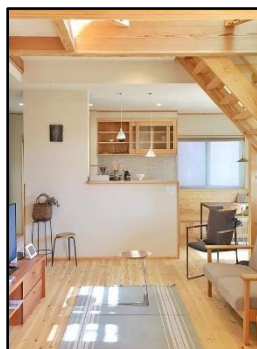
زیراندازها در ایران قالی هست و زیر انداز ژاپنی تتمی نامیده می‌شود. البته جاهایی هم چوب داریم ولی زیرانداز اصلی کشور ژاپن تتمی نام دارد، که یک ابعادی دارد که در بعضی از شهرها کمی تغییر می‌کنند معمولاً ۸۰ در ۱۹۰ می‌باشد. در شهرهای بزرگ از دو طرف کوچک‌تر شده و یک واحد مسکونی را معمولاً با تتمی توصیف می‌کنند. کوچک‌ترین اتاق را حدود سه تتمی می‌گویند، و نیم فقط در اتاق ۴/۵ تتمی وجود دارد. بعدش شش تتمی و هشت تتمی و یا دوازده تتمی می‌گویند.

در ژاپن آموزش نشستن زن‌ها و مردها وجود دارد که چطور بنشینند این فرمتی است که در ژاپن گفته می‌شود و می‌گویند مودبانه تر است که زن و مرد درست بنشینند که از کودکی طریقه نشین را آموزش می‌بینند.



اتاق معروف ژاپن که کمی فضای روحانی و مذهبی دارد تاکومونا می‌باشد یک جایی که یک چوبی وجود دارد، اشاره کردم که درخت قیم دارد و مراقب هستند که درخت کج نشود حالا برای این چوب بسیار ارزش قائل هستند در این اتاق یک گل تازه وجود دارد، یک نوشته هست و معمولاً کنار آن هم یک معبود کوچکی است که جای عبادت می‌باشد. در آنجا عود هست، دعا خوانده می‌شود، زنگی زده می‌شود و تسبیح وجود دارد که مدل تسبیح با ایران متفاوت است و بسیار احترام گذاشته می‌شود به این اتاق. معمولاً افرادی که سوغات می‌آورند برای آنها شاید تا ۲ روز درون آن اتاق می‌گذارند.

زیرانداز تتمی که گفته شد زیر آن جا دارد که هوا داره که نفس بکشد ولی صندلی‌هایی وجود دارد که پایه ندارد و کف و پستی هم دارد بنابراین روی آن می‌نشینند یعنی میز بسیار کوتاه است که حدود ۵۰ سانت است و همین در زمستان تبدیل می‌شود به کرسی. کرسی لحافی دارد که مربع است و پایین قرار می‌گیرد یعنی روی لحافی که روی میز قرار دارد دوباره میزی قرار می‌گیرد که شما می‌توانید مثلاً لیوان بگذارید رویش. وقتی لحاف برداشته شود می‌شود میز می‌شود. در ژاپن چون افراد زمین می‌نشینند پنجره‌ها آمده پایین بنابراین فضای بیرون را کاملاً می‌بینید. پنجره‌ها کاغذی هستند با اینکه اونجا بسیار باران می‌بارد شیشه‌ها بعد از اون قرار گرفته و حضور پارچه و کاغذ در منازل ژاپنی بسیار زیاد و فراوان است. منزل‌های جدید ژاپنی همان فرهنگ‌ها آمده است. مبلمان پایین قرار می‌گیرد. یعنی این همان کرسی است که دو ماه آینده تبدیل به میز می‌شود و بچه‌ها می‌نشینند زمین، تلویزیون‌ها هم کوتاه هستند و پایین قرار دارد. معمولاً خانه‌های دو طبقه ژاپنی که زیاد هم ما داریم در پایتخت ژاپن هم بدنه‌ها بلند مرتبه است ولی در داخل می‌بینیم یک روستای دو طبقه است و همه همدیگر را می‌شناسند. بعد وقتی به خیابان اصلی می‌آیند یک دفعه بالا. تمام خانه‌ها کوچک ولی با هم کوچکی همه چیز بسیار کامل است. معمولاً در خانه‌های دو طبقه خواب‌ها در طبقه بالا قرار گرفته و حضور چوب در کشور ژاپن بسیار زیاد است. چه در خانه‌های سنتی و چه در خانه‌های مدرن.



پوشش مردم ژاپن و ایران را اگر با هم مقایسه کنیم ما در ایران هم پوشش‌های سنتی را داشته و هنوز هم داریم در روستاها و شهرها مختلف و قومیت‌های مختلف. در ژاپن هم درسته که همش کیمونو هست ولی جاهای مختلف کمی با هم فرق می‌کند. کمر بند پهنی وجود دارد که گره زده می‌شود و رنگی که وجود دارد کاملاً متفاوت هست. معمولاً مثل ایران برای خانم‌ها تنوع بیشتر است نسبت به آقایان. در ژاپن کیف و چترها ژاپنی هست، شاید چتر و کیف اروپایی زیاد استفاده نمی‌شود. بقیه زیاد وجود دارد. اون که پشت بسته می‌شود کمر بند است که مثل یک گره یا پاپیون است ولی جزو کمر بندها به شمار می‌آید. درسته که پول ما کمی تغییر کرده ولی کیمونو در ژاپن بسیار گران است یعنی یک کیمونو حدود ۴۰۰ یا ۵۰۰ میلیون تومان می‌باشد و حتی در بعضی از کیمونوها قیمت بیشتر هم می‌شود. ولی بعضی وقت‌ها با پارچه‌های بسیار پایین می‌دوزند و استفاده می‌کنند که اون را کیمونو نمی‌نامند. اصل کیمونو بافتش از ابریشم هست و دست دوز می‌باشد، یک پارچه باریکی هست که گل‌های دارد و نوع دوختی که دارد بسیار خاص و گران می‌شود کیمونو اصل معمولاً از نسلی به نسل دیگر منتقل داده می‌شود.



ولی پوشش امروزی را هم داریم، پوشش ایرانی که بسیار متفاوت است با پوشش ژاپنی، پوشش‌ها در جاهای مختلف تغییر کرده در مهدکودک، مدرسه، دانشگاه، در مراسم سوگواری بسیار متفاوت است. در تفریح متفاوت است در مراسم سوگواری متفاوت است. و شما در ژاپن کاملاً از فرم لباس‌ها می‌توانید متوجه شوید که افراد کجا می‌روند، لباس‌ها کاملاً مشخص شده است.



صنایع دستی ایران که بیشتر از جنس فلز و مس است، در ژاپن بیشتر از جنس چوب، پارچه و کاغذ می‌باشد، صنایع دستی ژاپنی معمولاً اشاره‌ای به تاریخ هم دارد، همچنین اشاره‌ای به بحث‌های سنتی ژاپن را می‌توان در صنایع دستی به حضور مشاهده کنید.



خطاطی در دو کشور ایران و ژاپن در ایران را استاد ارفعی اینجا هستند حتماً در زمان خطاطی اشاره‌ای خواهند کرد. و قسمت کانچی را هم خانم کیتاناکا می‌نویسند و توضیح خواهند داد.

در ژاپن و قسمت کانچی یک سابقه‌ای از این خط بگوییم، کانچی به یک حروف گفته می‌شود مثلاً می‌گوییم این سه کانچی است یعنی سه تا حرف نوشته می‌شود. کانچی حدود ۱۰۰ هزار شکل و کلمه و شکل وجود دارد که از بودایی آمده از چین آمده ولی اول ابتدایی باید ۸۰ تا از حروف کانچی را تا آخر سال اول ابتدایی یاد بگیرند بچه‌ها، تا پایان سال ابتدایی باید ۱۰۲۶ تا حرف را یاد بگیرند، پایان راهنمایی ۱۱۱۰ تا بلد باشند، و تا پایان دانشگاه و شروع کار که لازم است کانچی بدانند ۳۰۰۰ تا کانچی را آشنا باشند و بتوانند بنویسند.



ولی در کنار خط کانچی دو خط دیگر وجود دارد یکی به نام هیراگانا نام دارد که ساده‌اش کردند هیراگانا ۴۶ تا حرف است که سابقه ۹۰۰ ساله دارد و بسیار ساده است. کنار آن خط کاتاکانا به وجود آمده این خط برای حروف خارجی است. به عنوان مثال اسم من محمد مهدی محمودی را با خط کاتاکانا نوشته می‌شود. ولی اسم جون سوکه یاماموتو را با هیراگانا و کانچی نوشته می‌شود. و محال است اسم یاماموتو یا کیتاناکا را با خط کاتاکانا بنویسند. سه خط ژاپنی، خارجی و سنتی خط‌های اصلی ژاپن هستند. در ایستگاه‌های راه آهن ما کانچی می‌بینیم ولی زیر آنها با هیراگانا نوشته شده یعنی حتی یک کودک هم می‌تواند خط هیراگانا را بخواند. این خط از بالا به پایین نوشته می‌شود و بعضی وقت‌ها از سمت چپ به سمت راست نوشته می‌شود ولی سنت اصلی این است که از بالا به پایین نوشته شود. در ژاپن معمولاً امضاء وجود ندارد و همیشه پایین همه نوشته‌ها مهر زده می‌شود. البته در بعضی جاها استثناء وجود دارد مثل پایین پاسپورت امضا هست. ولی از مهر برای چک، برای سند و... مهر زده می‌شود. یک جا مهرهایی هم وجود دارد که بالاش هم جای جوهر است. معمولاً کانچی مشکی نوشته می‌شود بعضی وقت‌ها هم با رنگ قرمز هم نوشته می‌شود ولی مهر معمولاً به رنگ قرمز است.

نقاشی و مینیاتور از نظر من در ایران و ژاپن خیلی به هم نزدیک هستند، همانطوری که در ایران مینیاتورهای ایران صورت را بسیار بزرگ نشان می‌دهد و دست خیلی کوچک در ژاپن هم صورت نسبت به دست‌ها بسیار بزرگ است، در نقاشی و مینیاتورها در ژاپن باز هم لباس سنتی و رنگ قرمز بسیار دیده می‌شود. نقاشی و مینیاتورها همان برگ درخت گیلاس است و برگ‌های و حتی کف خیابان اون درپوش فاضلاب هاست که البته هر شهری متفاوت می‌باشد و نشانه شهر است. معمولاً نقاشی‌ها با خط کانچی نوشته می‌شود که آسان باشد و در آخر آن مهر زده می‌شود. تاثیر سنتی و حماسی ما زیاد داشتیم در ایران، در ژاپن هم بسیار زیاد می‌باشد. باز با همان لباس‌های سنتی همیشه کنارش با موسیقی، موسیقی آن ساز ژاپنی است. افرادی که برای تماشا می‌آیند سعی می‌شود با لباس‌های سنتی به تماشای تئاتر بروند.

معماری ژاپن ساختمان‌های سنتی همانطور که برای ایران خشت، سنگ و آجر بوده در ژاپن هم سنگ و چوب است معمولاً پایین از سنگ است، پایین از سنگ استفاده می‌شود چون همانطور که گفتیم در ژاپن یک فصل بارندگی داریم ولی در بالا چوب را هم می‌بینیم. پنجره‌ها آمده پایین برای همین دید به فضای بیرون است. در بالا بعضی وقت‌ها از کاهگل هم استفاده می‌شود و کاهگل از کاه برنج می‌باشد همانی که امروزه روی رنگی که ما در ایران می‌زنیم، دانه‌های ریزی است ولی اینها سنتی می‌باشند. سقف‌های خانه‌ها در ژاپن بیشتر چوب است.

معماری امروزی حال ما مدرن است با مصالح جدید خودمان، آنجا هم معماری امروزی بیشتر شده بتن نمادین است، خانه امروزی ژاپن مبلمان پایین است، چوب بسیار حضور دارد. به سقف رنگ بسیار کم است. هر چه خانه ژاپنی کوچک باشد دو چیز از بین نمی‌رود یکی ورودی بیرونی است و دیگری ورودی داخلی خانه است. در ورودی برای خودش هویتی دارد. در داخل جایی است که با کفش می‌روند ولی جاهایی از خانه هم وجود دارد که کفش‌هاشون را در می‌آورند که جای است که یا روی ترمی است یا روی پارکت که دیگه کفش پایشان نیست. در آشپزخانه معمولاً دری هست که به فضای بیرونی راه دارد.



فضای شهری در ژاپن بسیار عریض است، می‌بینید برای قطار باریک، یعنی اون حریم دیگه نیست. یعنی ملک همسایه چسبیده به آن مسیر قطار که داره حرکت می‌کند. ولی عرصه‌ها برای عابر پیاده عریض هستند و شما در همه جا مشاهده می‌کنید و حضور دارند. دوطرفه بسیار زیاد هست در ژاپن و بسیار استفاده می‌کنند. سر چهارراه می‌بینید فضا برای افراد پیاده بسیار است. فضا برای پیاده راه زیاد دیده می‌شود و ماشین بسیار است. باران زیاد میدان آب گرفتگی اصلاً وجود ندارد در کشور ژاپن در تمام مسیرها شما یک قطره آب نمی‌بینید، در تمام مسیرها آب جمع می‌شود از دو طرف با اینکه در ژاپن یک فصل بارندگی داریم.

زندگی شبانه در شهرها بسیار روشن می‌باشد و فعالیت بسیار زیاد هست و بسیار سرزنده، جمعیت و حضور افراد بسیار است و جمعیتی که در شب وجود دارد نمادهای سنتی در شب نماد بهتری می‌شود و گویا واضح‌تر هستند و کاملاً دیده می‌شود. علائم درست است که به لاتین خیلی کم دیده می‌شود ولی علائم بسیار گویا و در جاهای خوبی قرار گرفته است.



بسیار واضح است و راهنمای بسیار خوب و گویا می‌باشد و به راحتی شما مسیرها را پیدا می‌کنید، تلفن عمومی در ژاپن هنوز از بین نرفته و وجود دارد. مترو در شهرهای ژاپن بسیار فعال است برای من که زبان ژاپنی بلد نیستم و غریبه باشم از یک شهری به شهری دیگر بروم اصلاً

متوجه نمی‌شویم که چه موقع قطار عوض کردم و قطار من تبدیل به مترو شده است یعنی جایی که پیاده می‌شود شخص و وارد سکوی دیگری می‌شود و سوار می‌شود اصلاً متوجه نمی‌شود که مترو است یا قطار به دلیل امکاناتی که وجود دارد. پلیس هم در ساعت‌های خاص می‌ایستد جلوی هر واگن و به راحتی مسافران در ابتدا پیاده و سوار می‌شوند بدون هیچ مشکلی با آن حجم زیادی که در کشور ژاپن وجود دارد. پله برقی‌ها همه به یک سمت ایستاده حالا یا به سمت بالا یا به سمت پایین حرکت می‌کند همه در یک ردیف و پشت سر هم و یک طرف پله برقی خالی هستند برای کسانی که می‌خواهند بالا و راه برای آنها باز است.



در هر حال این کشور ایران است و این کشور ژاپن به منظر من این اشتباه است که خیلی‌ها می‌گویند ایران همان افغانستان، پاکستان، ترکیه است ایران ما ایران است همچنین نسبت به ژاپن که خیلی‌ها می‌گویند ژاپن همان چین، کره است که نه واقعاً ژاپن، ژاپن است.



در قسمت بعدی ما از دو بزرگوار می‌خواهیم زنده برای ما خطاطی کنند. خط کوفی و خط کانچی جناب آقای ارفعی و سرکار خانم کیتاناکا

جناب آقای ارفعی: من یک توضیحی کوچک بدهم سال جدید میلادی شروع شده، امیدوارم سال خوبی برای همه باشد. قرار است به اتفاق خانم کیتاناکا تبریک سال نو نوشته شود. هر دو بنویسیم سال نو مبارک، البته در ژاپن وقتی می‌خواهند بنویسند ایستاده می‌نویسند ولی ما در ایران نشسته می‌نویسیم.

امیدوارم این تعدیل تغییر فعالیت نباشد، به هر حال هر کسی عادت و الگویی دارد من فقط مطلبی را عرض کنم درباره خط کوفی درحقیقت پدربزرگ خطی است که امروز می‌نویسیم. یعنی از الگوهای متفاوتی که ما داریم پس از اسلام، زمانی که شاید به عنوان اولین اثر قرار شد قرآن تدوین شود. خطی که در شبهه جزیره عربستان رایج و آرام‌تر بود تبدیل به الگوی شد که طبیعتاً در طول زمان تغییرات خودش داشت تا به امروز، امروزی که من عرض می‌کنم قرن چهارم هجری به امروز خودش رسید و بعد تبدیل به الگوهایی شد ما امروز استفاده می‌کنیم. طبیعتاً از قرن چهارم به بعد به عنوان یک فعالیت کالبدی نبوده ولی به شأن این جلسه و صحبت‌هایی که شد من با خط کوفی تقدیم می‌کنم و خانم کیتاناکا خطی زیباتر خواهند نوشت.

می‌خواستم این را عرض کنم خط یک هنر کاربردی است ما برای اینکه مفاهیمی را انتقال دهیم ارزش استفاده می‌کنیم و منتقل می‌کنیم بر روی کاغذ و خواننده مفهومی را که مدنظر ما بوده را درک کند. ولی مطلب دیگری که در این حوزه است انتقال احساس و زیبایی است به نحوی که به هر حال نوشته می‌شود و این احساس چگونه می‌تواند منتقل شود. این صحبت امروز ما نیست. خطی که نوشته شده بدون هیچ برنامه‌ای و با یک قلم معمولی نوشته شده این مفهوم از دیرباز مدنظر بوده و بهش عنایت ویژه شده است.

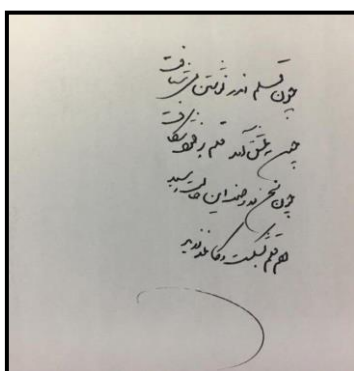
چون عشق آید قلم بر خود شکفت

چون قلم در نوشتنم شنانت

هم قلم بگفت و هم کاغذ دید

چون سخنم وصف اینجاست رسید

این اتفاقی است که ما از حوزه زیبایی نوشتاری داریم منتقل می‌کنیم به فرد مخاطب و حتی آن اتفاقی است که به کاغذ می‌افتد. این اتفاق، اتفاق زیبایی است من اولین روزی که رفتم دانشگاه آقای دکتر آیوازیان استاد من بودند. من از همان سال‌ها و روزها شروع به خوشنویسی کردم ولی تا امروز من با آن زیبایی که این خطی را که سرکار خانم نوشتند و اینطوری لمس نکرده بودم و ندیده بودم. من تشکر می‌کنم از شما که یک زیبایی جدید را به من معرفی کردید. اثر و دریچه‌ای جدید و هر کدام از اینها برای خودش یک زیبایی، یک عرفان و یک عمقی دارد که برای همه ما تا معرفی نشده مفهوم نیست، امیدوارم این برای همه جم پایدار باشد.



سخنران دوم: جون سوکه یاماموتو

ابتدا از آقای دکتر محمودی تشکر می‌کنم که این فرصت را به من دادند، من هم سعی می‌کنم استفاده کنم تا با شما و فرهنگ شما آشنا شوم و شما هم با من و فرهنگ ژاپن آشنا شوید.

من ژاپنی خالص هستم، پدر و مادرم ژاپنی هستند منتهی ۳۰ سال است با ایران در حال سر و کله زدن هستم. متولد ۱۹۶۷ میلادی و ۱۳۴۶ ایرانی هستم. در دهه ۱۹۶۰ در ژاپن دهه رشد شدید اقتصاد بود، یعنی وقتی من به دنیا آمدم ژاپن شده بود ژاپن امروز من هیچ مشکل غذا خوردن، پوشیدن را ندارم و ما مشکلات ژاپن را ندیدیم و لمس نکردم در طول عمرم و می‌شود گفت ژاپنی بی غم ماها بودیم.

مادر من متولد سال ۱۹۴۱ هست همان سالی که ژاپن به آمریکا حمله کرد و ۴ سال بعد هم بمب اتمی خورد. یعنی عمر نسل پدر و مادرم از اول اصلاً خوب نبوده نسبت به نسل من بسیار سختی کشیدند. نسل پدر بزرگ من هم نسل اوشین بوده. اوشین متولد سال ۱۹۰۰ است، آنها بسیار عقب افتاده بودند، ژاپن هنوز صنایع امروز را نداشت، خیلی هم فقیر بود و بعد خودشان هم در حال جنگ بودند. من تقریباً نسل امروز هستم نسلی هستم که می‌شود گفت فقر را ندیدم، یا سختی زیادی نکشیدم. اینکه چرا من اینجا هستم توضیح خواهم داد. من بعد از فارغ التحصیل شدن استخدام شدم در یک شرکت تجاری ژاپنی به نام اتوجی در ژاپن ۱۸۵۸ یعنی ۱۶۰ سال پیش تأسیس شد این شرکت، می‌شود گفت ۱۶۰ سال عمر کرده تا به حال، فروش سالانه پارسال ۵۲ میلیون دلار بوده سود نهایی بعد از مالیات سنگین ژاپن. شرکت بسیار بزرگی است و یک شعبه هم در ایران در سال ۱۹۵۴ یعنی ۶۵ سال است که در ایران شعبه دارد.

شرکت ژاپنی وجود دارد و امروز من به عنوان رئیس شعبه در خدمت شما هستم. در زمینه نساجی، انرژی، پروژه، ماشین آلات خودرو و مواد غذایی و... کار می‌کند. البته به خاطر تحریم‌ها رونق آنچنانی وجود ندارد ما داریم کارمان را تعطیل می‌کنیم متأسفانه چون در ایران در دوره دوم تحریم‌ها می‌باشیم. من تحریم دفعه قبل هم در ایران بودم پس فکر می‌کنید چرا من از اینجا نمی‌روم و شعبه ایران را نمی‌بندیم. جواب ما این است که اگر بلند مدت نگاه کنیم به ایران متوجه می‌شویم، دلیل ندارد خارجی از ایران برود و فراموش کند ایران را، همچون جایی در دنیا نیست که گاز داشته باشد، نفت داشته باشد، سنگ آهن داشته باشد، جمعیت و تحصیلات داشته باشد، چهار فصل داشته باشد، آب، میوه و هر آنچه که فکر می‌کنید داشته باشد. دلیل ندارم که من شعبه ایران را ببندم و از فردا برگردم به ژاپن. منتهی اگر به کوتاه مدت نگاه کنیم بله من باید بروم به دلیل اینکه فشار زیاد هست و پولمان گیر است. خیلی هم نگران طلب‌هایمان هستیم به هر حال این مشکلات برای همه و من جمله برای من و

شرکت و همکاران من هم می‌تواند باشد. البته نمی‌خواهم بگویم خیلی اذیت شدیم چون به معنای دقیق می‌گوییم این بار پولمان گیر شد چون بانک‌های خودمان گفته با این بانک‌های ایران کار نمی‌کنیم. اینها تحریم هستند. ما اگر پول را به طور مستقیم بگیریم من تحریم می‌شوم. حالا بدهی، طلب هر چیزی است من نمی‌خواهم کار کنم. منتهی من از دست ایران کم نکردم یعنی همه پول‌ها را گرفته‌ایم. یعنی ایرانی همیشه همکاری می‌کند وقتی که من می‌گویم بانک‌مان رفته کنار همکاری می‌کند با ما. همدری و همکاری می‌کند از این نظر من همیشه از ایرانی سپاسگزار هستم.

البته اوایل بسیار سخت بود. شما تفاوت‌های ایران و ژاپن را دیدید آقای دکتر محمودی به‌طور کامل توضیح دادند. شرکت ما را فرستاده سال ۱۹۹۱ بود حدود ۲۸ سال پیش ناگهان رئیس من گفت شما بروید به ایران و در دفتر ایران ما کار کنید، من گفتم رئیس الان اونجا جنگ هست، این جنگ بین عراق و آمریکا است، ایران نیست، اسم عراق در ژاپن می‌شود ایراکو در ژاپن همان ایران است خیلی شبیه است و من حتی تشخیص نمی‌دادم ایران و عراق را، به هم دلیل ۲۸ سال پیش من آمدم ایران و اوایل بسیار سخت بود. من یادم هست در میدان انقلاب تابستان بود آب طالبی می‌فروختند تشنه شدم و رفتم آب طالبی خوردم، سوال کردم قیمت را فروشنده گفت بفروشد و من هم گفته خیلی ممن و رفتم و فروشنده دنبال من آمد. اینقدر تفاوت دارد بین دو تا فرهنگ ایران و ژاپن. خیلی سخت بود اوایل که آمده بودم ایران. ولی کم کم آشنا شدم با زبان ایرانی و دیگه مشکلی ندارم با این کشور، با ایرانی کار کردن، من کلاً فرد غمگینی نیستم و نگران نیستم، اعتماد دارم چون من همیشه همکاری خوبی داشتم با ایرانی.

مشکلات این کشور به نظر من تحریم، دیکتاتوری، ولایت فقیه نیست. برای من به عنوان مثال وزارت کار است که به من می‌گوید من به شما ویزا نمی‌دهم اگر این مشکلات حل شود راه دارد برای خارجی که در ایران کار کند. فکر کنم چینی، ایتالیایی، آمریکایی‌ها هم همین حرف را بزنند. من تکرار می‌کنم در دنیا چنین کشور غنی نیست، که بازار بسیار عمیق داشته باشد. زمانی که بار اول به ایران آمدم آقای رفسنجانی رئیس جمهور بود بعد از حمل کردن جنس می‌گفت دیگه عرض ما تمام شد. و پولمان گیر کرد. ولی پس گرفته شد چطوری ایران به جای پول نفت فرستاد و ما هم ضرر نکردیم بلکه سود بسیاری کردیم. ایران همچنین جایی است. بنابراین در طول این ۶۵ سال که بودیم در ایران و فکر می‌کنم ۳۵ سال آینده هم باشیم. من درباره ژاپن صحبت کنم، موضوع بحث را برمی‌گردانیم به کشور ژاپن، عرض کردم پدر بزرگ من هم نسل اوشین بوده و آنها حدود ۱۰۰ سال پیش به دنیا آمدن. پسر من در بانک محلی ژاپن مشغول به کار می‌باشد ۲ سال پیش می‌گفت من کجا استخدام شوم، چون کارمندان ساعات کاری بسیاری دارند. من خودم تعجب کردم چون نسل ما جزء نسلی است که تا شب کار می‌کنند و بسیار خوشحال هستیم. پدر من جزء مردهایی بود که اصلاً منزل نبود و پست کاری بسیاری داشت. البته می‌شود گفت پشت کار افراد ژاپنی بسیار معروف است که البته متأسفانه در حال از بین رفتن است. به هر حال اعتقاد ژاپنی هم مثل ایران تغییر می‌کند منتهی فرهنگی که در دل ژاپنی مانده خیلی تکان نمی‌خورد. به نظر من فرهنگ ژاپن کشاورزی است. ژاپن جزیره‌ای دور افتاده دنیا است که واقعاً فقیر بود و فضای هم در ژاپن وجود ندارد که مثلاً ۱۰۰ تا گوسفند بخریم و دامپروری کنیم. حتی اگر چاه نفت بکنیم در ژاپن نفتی در نمی‌آید. ولی ماهیگیری در ژاپن می‌شود انجام داد، تنها صناعی که در قدیم مانده به نظر من کشاورزی است، مرزعه برنج که البته برنج را هم می‌خوردند. در کشاورزی‌ها در ژاپن همسایه‌ها کمک می‌کنند و همکاری می‌کنند در کاشت برنج. این همکاری در کشور ژاپن مانده و هنوز هم کمک کردن به همدیگر وجود دارد همسایه‌ها و حتی هم کوچه‌ای‌ها به همدیگر کمک می‌کنند.

اصل مردم ژاپن همین است شما در تصاویر آقای دکتر محمودی دیدید چگونه افراد روی پله برقی می‌ایستند به نظر من ما ملتی هستیم که بهترین صف‌ها را در دنیا می‌بندیم و این افتخار ما هست. برای کشور ژاپن نظم بسیار مهم است، نوبت مهم است، کمک کردن و همکاری مهم است، خودخواهی ممنون است، خودنمایی هم ممنوع است و از دید ژاپنی کار بسیار زشتی است، همه اینها در کشور ژاپن برمی‌گردد به اصالت اولیه خودش یعنی کشاورزی.

آن سالی که زلزله آمد در ژاپن سال ۲۰۱۱ در شرق ژاپن من ایران بودم و مجبور بودم از تلویزیون اخبار را پیگیری کنم که ژاپن چه آسیب شدیدی دیده. تصویر پناهگاه اون روز ژاپن را نشان می‌داد، بیچارگان، آسیب دیدگان و باقی ماندگانی که خانواده‌هایشان را از دست داده بودند ولی صفی بسته بودند برای گرفتن غذا و... من افتخار کردم به جای اینکه ناراحت شوم در چنین موقعیتی هم ژاپنی نوبت را رعایت می‌کند و به حریم دیگران احترام می‌گذارد و این افتخار ژاپن است.